

زبان فارسی، «مهر مهار» ملت ایران را از تخریب خزانده در امان داریم

مهدی قالیبافیان

دیوید مورگان در کتاب «ایران در سده‌های میانی» می‌نویسد:

«این کشور امروز از جهاتی همان کشوری است که کورش کبیر در سده‌ی ششم پیش از میلاد بر آن حکومت می‌کرد. نوعی عنصر تداوم وجود دارد که همه‌ی تغییرات پدید آمده در فرمانروایان، مردم، مذهب و مرزهای سیاسی، قادر به از میان بردن آن نبوده‌اند. اجزای متشکله‌ی این تداوم کدامند؟... بی‌تردید استمرار زبان فارسی، با وجود کلیه‌ی این دگرگونی‌ها می‌تواند به تبیین این پدیده کمک کند... در واقع به نظر می‌رسد که نوعی حس خودآگاهی ایرانی نسبت به هویت ایرانی بودن - وجود دارد که در سراسر تاریخ این کشور جریان داشته است... این هویت، از نوع فرهنگی است... یونانی‌ها، عرب‌ها، ترک‌ها، مغول‌ها و اروپایی‌ها می‌آیند و می‌روند، اما ایرانی به هر حال ایرانی باقی می‌ماند.»

دیوید مورگان به درستی به نقش زبان فارسی توجه کرده است زیرا این «مهر مهار» (مهره‌ی مار) همان عنصر فرهنگی است که طی دوره‌ها و سده‌ها یکپارچگی ملت ایران را حفظ کرده و حتا تجزیه‌ی جغرافیایی دیرپا هم قادر به تخریب همبستگی فرهنگی و ریشه‌دار این ملت نشده است. در واقع اگر ژرف بنگریم، زبان فارسی با گنجینه‌های ادبی و فرهنگی خود، همان رشته‌ی زرینی است که خلق‌های ساکن این مرزوبوم، فارس، آذری، کرد، بلوچ، لر، ترکمن، عرب، ارمنی، آشوری و... را به صورت مرواریدهای غلتان، به هم بسته و گردن‌آویزی شگرف به نام ملت ایران به وجود آورده است که بر سینه‌ی جامعه‌ی انسانی می‌درخشد و با وجود افت و خیزهای بسیار در طول تاریخ، توفان‌هایی سهمگین را از سر گذرانده و زیستایی خود را به ثبوت رسانده است. اما طی سال‌های اخیر، اشاعه‌ی کم بهادادن به نگارش صحیح فارسی و مجاز شمردن برخی لغزش‌ها در گفتار و نوشتار، که با آهنگی فزاینده پیش می‌رود، این دغدغه‌ی خاطر را به وجود آورده است که اگر بی‌توجهی کنیم، ممکن است این عنصر پیونددهنده آسیب ببیند و خواندن، نوشتن و درک زبان فردوسی، حافظ، سعدی، مولانا و سایر مفاخر ادب پارسی برای نسل‌های آینده مشکل شود.

این لغزش‌ها وقتی مخرب‌ترند که در رسانه‌های جمعی پدیدار و تکرار شوند و بر هر ایرانی پاک نهاد، اهل قلم، مطبوعات و صدا و سیما فرض است که مسوولانه به این امر اندیشیده و برای جلوگیری از تخریب تدریجی و خرنده‌ی این «مهر مهار» بکوشند.

بر اساس این احساس وظیفه است که نویسنده‌ی این سطور نه به‌عنوان، یک ادیب یا کارشناس زبان فارسی بلکه به‌عنوان یک خواننده‌ی علاقه‌مند، دست به‌قلم برده است، خواننده‌ای که وقتی در خواندن نوشته‌ها دچار مشکل شده، به‌جست‌جو و ریشه‌یابی اشکال پرداخته، لغزش‌های نگارشی را یافته و به‌این اعتبار به‌خود جرات اظهار نظر داده است که یک نفر ممکن است از هنر آشپزی کم بهره یا حتی بی‌بهره باشد ولی غذای لذیذ و مطبوع را به‌خوبی از خوراک بدبو و نامطبوع تمیز بدهد.

پاره‌ای از این لغزش‌ها که، اغلب از زبان‌های بیگانه و از طریق ترجمه‌های مخدوش و «باری به‌هر جهت» وارد زبان فارسی شده‌اند و انسجام نوشته‌ها و روانی آن‌ها را مختل می‌کنند، به‌این شرح هستند:

۱- کاربرد قیده‌های مکان «بالا» و «پایین» به‌جای قیده‌های مقدار «زیاد» و «کم» یا صفت‌های تفضیلی «پیش‌تر» و «کم‌تر».

... هزینه‌های «بالا» و درآمدهای «پایین» گذران زندگی را مشکل‌تر کرده‌اند.

... انگیزه‌ی آنان جاذبه‌هایی مانند دستمزد «بالا» و فرصت‌های جدید است. (... انگیزه‌ی آنان جاذبه‌هایی مانند دستمزد «پیش‌تر» و فرصت‌های جدید است.)

... بتن با مقاومت «بالا» برای ساختمان‌های بلند مناسب‌تر است. (... بتن با مقاومت «زیاد» برای ساختمان‌های بلند مناسب‌تر است.)

... یافتن نیروی کار مناسب با دستمزدهای «پایین» میسر نیست. (... یافتن نیروی کار مناسب با دستمزدهای «کم‌تر» میسر نیست.)

۲- استفاده کردن از کلمه‌ی «جهت» به‌مفهوم «برای» یا «به‌منظور» که یکی از خطاهای رایج به‌ویژه در مکاتبات اداری است و گاهی می‌تواند ایجاد شبهه کند.

... «جهت» استحضار مقام ریاست... (... «برای» استحضار مقام ریاست...)

... «جهت» مقابله با این سانحه... (... «برای» مقابله با این سانحه...)

... «جهت» نظارت مسوولانه بر انتخابات و (... «برای» نظارت مسوولانه بر انتخابات و...)

... «جهت» دست‌یابی به... (که ممکن است مفهوم سمت و سوی دست‌یابی را القا کند). (...)

«برای» دست‌یابی به...)

... «جهت» درمان بیماری خود... (... «برای» درمان بیماری خود...)

۳- قرار دادن علامت مفعولی «را» در جای نامناسب. «را» علامت مفعول صریح است و باید بلافاصله پس از اسم مفعول قرار گیرد و قرار گرفتن آن در جایی دیگر، نامناسب و پس از فعل نادرست است.

.... پنج میلیون دلار در مدت هفت سال «را» صرف تحقیق خواهند کرد. (... پنج میلیون دلار «را» در مدت هفت سال صرف تحقیق خواهند کرد.)

... کتاب‌هایی که خوانده‌ایم «را» ببرید. (... کتاب‌هایی «را» که خوانده‌ایم ببرید.)

۴- کاربرد فعل «استفاده کردن» بدون حرف اضافه‌ی «از» به مفهوم «به کار بردن» یا «مصرف کردن»، به عنوان برابر نهاده‌ی «to use».

– «استفاده کردن» قلم درشت «جهت» خطاطی. («استفاده کردن از» قلم درشت یا «کاربرد» قلم درشت «برای» خطاطی.)

– «استفاده کردن» ماشین لباسشویی برای شستن روپوش‌های «استفاده شده». («استفاده کردن از» ماشین لباسشویی برای شستن روپوش‌های «مصرف شده».)

لازم به یادآوری است که حتا «مصرف شده» برای بیان مطلب مناسب نیست زیرا «مصرف کردن» به طور معمول در مواردی گفته می‌شود که تنها یک‌بار اتفاق می‌افتد مانند مصرف کردن نان، مصرف بنزین...

– شیمی درمانی برای سرتان‌هایی «استفاده» می‌شود که... («از» شیمی درمانی برای سرتان‌هایی «استفاده» می‌شود که...)

۵- جمع بستن کلمات فارسی با نشانه‌های جمع عربی.

– «پیشنهادات» رسیده «در ارتباط با» «گزارشات» «آزمایشات» انجام شده... («پیشنهاد‌های» رسیده «درباره‌ی» «گزارش‌های» «آزمایش‌های» انجام شده...)

توضیح این‌که در فارسی پنج نشانه‌ی جمع معمول است: ها، ان، ات، ون، ین. نشانه‌های اصیل جمع در فارسی دو نشانه‌ی اولند و سه نشانه‌ی دیگر از عربی گرفته شده‌اند که اصلح است با رعایت قواعد مربوط به خود، کاربردشان به کلمات عربی منحصر شود و به کلمات فارسی تسری داده نشود.

مطلب اخیر برای جمع مکسر هم، که مختص زبان عربی است، صادق است و نباید کلمات فارسی را به این صورت جمع بست، به عنوان مثال «استاد» کلمه‌ی فارسی است و جمع بستن آن به صورت «اساتید» مطلوب نیست و «استادان» رساتر و بهتر جمع استادها را نشان می‌دهد.

۶- کاربرد «در ارتباط با...» به مفهوم «درباره‌ی».

مثال بالا «در ارتباط با» جمع بستن کلمات فارسی (مثال بالا «درباره‌ی» جمع بستن کلمات

فارسی)

- ۷- سنگین کردن متن با کاربرد ترکیب‌های «در جهت...» و «در راستای...» به مفهومی‌های «به منظور...» یا «برای...»
- «در راستای» تحقق بخشیدن به این خواست‌ها... («به منظور» تحقق بخشیدن یا «برای» تحقق بخشیدن به این خواست‌ها...)
- ۸- استفاده کردن از ترکیب «به وسیله‌ی» برای بیان مفهوم «با» و «توسط».
- کامل کردن اطلاعات «به وسیله‌ی» عکسبرداری از قفسه‌ی سینه. (کامل کردن اطلاعات «با» عکسبرداری از قفسه‌ی سینه).
- شکل دادن قطعه‌ی فولادی «به وسیله‌ی» پتک. (شکل دادن قطعه‌ی فولادی «با» پتک).
- سازه باید «به وسیله‌ی» مهندسی با تجربه طراحی شود. (سازه باید «توسط» مهندسی با تجربه طراحی شود).
- حریق چاه نفت «به وسیله‌ی» کارشناسان ایرانی مهار شد. (حریق چاه نفت «توسط» کارشناسان ایرانی مهار شد).
- ۹- مطابقت ندادن فعل با فاعل و کاربرد فعل مفرد برای فاعل جمع.
- «آزمایشات» انجام شده نشان «می‌دهد» که بیمار... («آزمایش‌های» انجام شده نشان «می‌دهند» که بیمار...)
- درست است که در زبان فارسی برای فاعل جمع غیر ذی روح، استفاده از فعل مفرد مجاز و گاه مرجح است ولی اول در بسیاری از موارد، تطابق فعل و فاعل به روشن تر شدن مطلب کمک می‌کند، دوم زنده‌یاد دکتر معین، تطابق فعل و فاعل را یکی از شاخص‌های پختگی و تطور هر زبانی می‌دانست و بهتر است به ایشان اقتدا کنیم.
- ۱۰- به کار بردن «بایستی» به جای «باید».
- به طور معمول «بایستی» وقتی گفته می‌شود که درباره‌ی گذشته صحبت می‌کنیم و در سایر موارد کاربرد «باید» بهتر است.
- برای خریدن این دارو «باید» به هلال احمر مراجعه کرد. چهار سال پیش برای داروهای بیش تری «بایستی» (یا می‌بایست) به آن جا مراجعه می‌کردید.
- ۱۱- توجه نکردن به تفاوت میان «است» و «هست».
- «است» فعل اسنادی یا ربطی است که بین دو چیز نسبت برقرار می‌کند، برای نمونه می‌گوییم «سیب شیرین است» ولی «هست» وجود چیزی را می‌رساند، برای نمونه می‌گوییم «روی میز سیب هست» یعنی روی میز سیب وجود دارد.

- در آمریکای شمالی دو کشور «هست» به نام کانادا و ایالت‌های متحد آمریکا. جمعیت کانادا از ایالت‌های متحد آمریکا کم‌تر «است».

- دو لیوان روی میز «هست» که یکی از آن‌ها پر و دیگری خالی «است».

۱۲- اتصال فراگیر «ی» وحدت به صفت که گاهی ممکن است سبب تغییر مفهوم شود.

- «نماینده‌ی متعهدی» که از حقوق ملت دفاع کرد. («نماینده‌ای متعهد» که از حقوق ملت دفاع کرد.)

- «دلیل قانع‌کننده‌ای» برای کم‌کاری نیست. («دلیلی قانع‌کننده» برای کم‌کاری نیست.)

- «اسباب بزرگی» برای انجام این کار لازم است. («اسبابی بزرگ» برای انجام این کار لازم است.)

- «اسباب بزرگی» بیش‌تر از مفهوم «یک اسباب بزرگ»، مفهوم «آنچه را لازمه‌ی بزرگ بودن است» می‌رساند:

تکیه بر جای بزرگان نتوان زد به گزاف مگر «اسباب بزرگی» همه آماده کنی

۱۳- تمام نکردن فعل‌ها به بهانه‌ی قرینه بودن، به‌ویژه بلافاصله پیش از «که» و «تا».

- لازم است کارفرما از هم‌اکنون گروه‌های مناسب «جهت» بررسی وضع بازار و تنظیم برنامه‌ی فروش «را» شکل «داده» «که» بعد نیز به‌عنوان مدیریت فروش فعال «بوده» و نوسانات احتمالی تقاضاها را مشخص «نموده» «تا» در صورت امکان در طرح منظور شوند. (لازم است کارفرما از هم‌اکنون گروه‌های مناسب «را» «برای» بررسی وضع بازار و تنظیم برنامه‌ی فروش، شکل «دهد» «که» بعد نیز به‌عنوان مدیریت فروش فعال «باشند» و نوسانات احتمالی تقاضاها را مشخص «نمایند» «تا» در صورت امکان در طرح منظور شوند.

- منشی مورد نظر باید به اندازه‌ی کافی به زبان انگلیسی مسلط «بوده» «که» بتواند به آسانی مکاتبات خارجی را انجام دهد. (منشی مورد نظر باید به اندازه‌ی کافی به زبان انگلیسی مسلط «باشد» «که» بتواند به آسانی مکاتبات خارجی را انجام دهد.)

۱۴- صرف‌نظر از موردهای فوق، در بسیاری از نوشته‌ها، قاعده‌ی مشخصی برای «انفصال و اتصال» مراعات نمی‌شود، به‌ویژه مرزهای قواعد مربوط به همزه بسیار مخدوشند. با توجه به آرای مختلفی که درباره‌ی این دو مساله وجود دارد، بحث در مورد آن‌ها از حوصله‌ی این یادداشت خارج است ولی خواننده‌ی علاقه‌مند می‌تواند برای اطلاع از چگونگی طرح مساله، از کتاب «زبان و نگارش فارسی» نوشته‌ی استادان، دکتر حسین احمد گیوی، دکتر اسماعیل حاکمی، دکتر یداله شکر و دکتر سید محمود طباطبایی اردکانی، از انتشارات «سمت» (سازمان مطالعه و تدوین کتاب‌های علوم انسانی دانشگاه‌ها) استفاده کند.